

دکتر محمّدامیر شیخ‌نوری*

نفت و تغییرات اجتماعی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

چکیده

سلطه انگلستان بر خلیج فارس و کشف و استخراج و بهره‌برداری از نفت، در جهت تغییرات اجتماعی منطقه عامل اساسی و مهمی بود، بدین معنی که درآمد ناشی از منابع سرشار نفت و نبود نیروهای کارآمد بومی، زمینه‌های حضور نیروهای بیگانه را فراهم کردند.

در کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس، بین ۶۰ تا ۹۰ درصد نیروی کار را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند، و این مسأله در جوامعی که دارای فرهنگ و تمدن کهن نیستند مثل کویت، قطر، امارات متّحده عربی، تأثیر منفی بیشتری دارد.

* عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه تبریز.

واژه‌های کلیدی

Protectorate	تحت‌الحمایه - قیمومت
Tribalism	قبیله‌گرایی
Consanguinity	همخونی
Trucial Coast	کرانه‌های متصلح
Trucial Shaikhs	شیوخ متصلح
Pearl Bank	محلّ صید مروارید
Labour Migration	کارگران مهاجر
Social Change	تغییرات اجتماعی
Social Crisis	بحران اجتماعی
Acculturation	فرهنگ‌پذیری

مقدمه

امروزه خلیج فارس در استراتژیهای نظامی جزو چشم‌انداز وسیع اقیانوس کبیر محسوب می‌شود. در واقع هر نوع حرکت سیاسی و نظامی که در اقیانوس هند به وقوع می‌پیوندد از خلیج فارس و دریای احمر آغاز می‌شود. این امتیاز و ویژگی طبیعی و انسانی موجب شده که مجموعه سرزمینهای این شبه‌جزیره، برای غربیها یک جبهه استراتژیک به حساب آید. شرقیها نیز در تحقق اهداف استراتژیک خود تلاش می‌کنند، با این تفاوت که تلاش اصلی آنها در مرکز جبهه - که مرکز جهان اسلام است - متمرکز است. به این عوامل ژئوپولیتیکی، منابع نفت را نیز - که حالت انحصاری دارد و در مقیاسی وسیع در این بخش از جهان اسلام قرار گرفته - باید افزود؛ زیرا محور ژئوپولیتیک مرکز

جهان اسلام، بر محور ژئوپولیتیک نفت قرار گرفته است.^۱ هدف این مقاله، بررسی روند تغییرات اجتماعی است که به دنبال اکتشاف و استخراج نفت در حاشیه جنوبی خلیج فارس به وجود آمده است. به این معنی که توسعه فعالیت‌های مربوط به نفت شکل و بافت اجتماعی را تغییر داده است.

نفت و تغییرات اجتماعی

عربها به سبک «پاتریارکال»، یعنی تحت ریاست پدر خانواده و رئیس قبیله زندگی می‌کردند.^۲ اعضای یک قبیله، دارای قلمرو مشترکی هستند، از یک احساس قبیله‌ای مشترک که ناشی از وجود یک جد مشترک است، برخوردارند و دارای تشابهات فرهنگی و زبانی هستند. در نظام قبیله‌ای رئیس قبیله یا شیخ قدرت قابل ملاحظه‌ای دارد. قدرت سیاسی در چادر شیخ و اطراف آن متمرکز است.^۳ این قبایل با این ساختار اجتماعی همسو با اهداف انگلستان به دولتهایی مجزا تبدیل می‌شوند. با پیدایش دولتهای جدید، جستجو برای کشف نفت، ضرورت تعیین مرزی را که تحقق آن با تابعیتهای پیچیده قبیله‌ای، امکانپذیر نبود، آشکار کرد.

در واقع با پیدایش نفت، منطقه جایگاه خاصی در روابط بین‌الملل پیدا کرد. ریچارد نیکسون در کتاب «جنگ واقعی صلح واقعی» می‌نویسد: خاورمیانه از دیرباز، چهارراه آسیا، آفریقا، اروپا بوده است. اکنون نفت آن خون صنعت مدرن است، و منطقه خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می‌اندازد، و راههای دریایی پیرامون خلیج فارس، شریانهایی است که این خون حیاتی از آنها می‌گذرد.^۴

این منطقه با وجود اینکه از لحاظ جمعیت و وسعت جغرافیایی

بالتسبه محدود است اما کماکان شریان اقتصادی جهان به حساب می‌آید. در سال ۱۹۸۷، خلیج فارس با ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت که معادل ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان است، و ۳۰/۷ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی، که برابر ۲۸/۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز دنیاست، بی‌تردید بزرگترین و مهم‌ترین انبار انرژی جهان شناخته شد. این موقعیت در طول دهه‌های متوالی در قرن آینده دوام خواهد داشت، در حالی که پیش‌بینی می‌شود که دیگر منابع نفتی جهان تا سال ۲۰۲۰ از این ماده معدنی مهم در تاریخ بشر تهی شوند.^۵

مقایسه جمع ذخایر منطقه در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۸۷ نشان‌دهنده افزایش حجم ذخایر است. ضمناً در سال ۱۹۹۹ یعنی پایان قرن بیستم نیز ذخایر نفت منطقه ۲۸/۱۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد.^۶

جدول شماره ۱ - ذخایر نفت منطقه خلیج فارس، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۹

(ارقام به میلیارد بشکه)^۷

کشور / منطقه	۱۹۹۰	۱۹۹۹
بحرین	۰/۱۵	۰/۱۵
ایران	۹۱/۵	۹۰
عراق	۱۱۰	۲۰۰
کویت	۹۲	۹۰
عمان	۴/۸	۴
قطر	۸	۷
عربستان سعودی	۲۵۵	۳۰۰
امارات عربی متحده	۹۲	۱۵۰
منطقه بیطرف	۹/۲	۸
جمع کل	۶۶۲/۶۵	۸۴۹/۱۵

منبع: The APS Review, vol.34, No.11 (12-19 March 1990)

از طرف دیگر ۱۰ رآمد نفتی این منطقه قابل توجه است. درآمد ۴ کشور اصلی تولیدکننده نفت خلیج فارس (عربستان سعودی - کویت - امارات متحده عربی - قطر) از ۲۴۵۰ میلیون دلار در ۱۹۷۰ به ۱۴۶۹۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ رسید. افزایش شدید درآمدهای نفتی منطقه باعث توجه کشورهای دیگر بخصوص کشورهای غربی و آمریکا نسبت به بهره‌برداری از امکانات وسیع اقتصادی و مالی آن به روشهای گوناگون شده است. (جدول شماره ۲)^۸ به دنبال سرازیر شدن درآمد سرشار نفت به کشورهای منطقه، (جدول شماره ۲) شرایط زندگی در داخل کشورها و همچنین جایگاه آنها در اقتصاد دنیا بکلی دگرگون می‌شود. کشورهایی که از نظر استراتژیکی برای انگلستان اهمیت داشتند و دزدان دریایی لقب گرفته بودند با وضعیت جدیدی روبرو می‌شوند. مثلاً درآمد سرانه مردم کویت و دیگر شیخ‌نشین‌ها که روزگاری پایین‌ترین رقم در دنیا بود، در ۱۹۷۰ به ۳۸۸۲ دلار و در ۱۹۷۴ به ۱۳۸۳۴ دلار و اوایل دهه ۸۰ به حدود ۱۸ هزار دلار رسید که با درآمد سرانه کشورهای عمده غربی و صنعتی جهان قابل مقایسه بود.^۹

کشورهای منطقه در دهه ۶۰ فاقد صنایع زیربنایی، مصرفی و راههای درجه یک و راههای ارتباطی شوسه و هموار بودند. در این کشورها بجز عراق حتی آب آشامیدنی به مقدار لازم وجود نداشت و برق و تسهیلات مخابراتی به اندازه کافی در دسترس نبود. از سال ۱۹۷۳ با افزایش قیمت نفت فعالیتهای ساختمانی تقریباً در کلیه شهرها آغاز شد و در امر راهسازی، ایجاد بناها و تأسیس فرودگاههای بین‌المللی فعالیتهای چشمگیری صورت گرفت.

در زمینه ذوب آلومینیوم و قالب‌گیری آن، ایجاد پالایشگاه نفت، تأسیس صنایع پتروشیمی، ایجاد کارخانه‌های کود شیمیایی، تولید سیمان،

بهره - ۷ - درآمد های نفتی کشورهای عمده خلیج فارس، ۱۹۸۸ - ۱۹۷۰
(ارقام به بیلیون دلار)

کشور	۱۹۷۰	۱۹۷۲	۱۹۷۴	۱۹۷۶	۱۹۷۸	۱۹۸۰	۱۹۸۲	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸
ایران	۱۰۱۲۶	۴۰۱۰۰	۱۷۰۵۰۰	۲۲۰۰۰۰	۲۰۰۵۰۰	۱۱۰۶۰۰	۱۱۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۷۰۰۰۰
امارات عربی متحده	۲۳۳	۹۰۰	۵۰۵۰۰	۷۰۰۰۰	۸۰۰۰۰	۱۹۰۴۰۰	۱۶۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	۶۰۵۰۰
عراق	۵۲۱	۱۰۸۴۰	۵۰۷۰۰	۸۰۵۰۰	۹۰۸۰۰	۲۶۰۵۰۰	۹۰۵۰۰	۱۲۰۰۰۰	۶۰۵۰۰	۱۱۰۵۰۰	۱۱۰۵۰۰
عمارتان سعودی	۱۰۲۰۰	۲۰۳۴۰	۲۲۰۶۰۰	۲۳۰۵۰۰	۲۵۰۸۰۰	۱۰۴۰۲۰۰	۷۶۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۲۱۰۵۰۰	۲۰۴۰۰۰
قطر	۱۲۲	۲۱۰	۱۰۶۰۰	۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۵۰۲۰۰	۲۰۲۰۰	۳۰۰۰۰	۱۶۰۰	۱۰۹۰۰	۱۰۵۰۰
کویت	۸۹۵	۱۰۹۰۰	۷۰۰۰۰	۸۰۵۰۰	۹۰۲۰۰	۱۸۰۲۰۰	۱۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۵۰۵۰۰

منبع:

Hassan Ali al-Elwathem, Kuwait and the Gulf (London & Canberra: Croom Helm, 1984). And: The middle East and North Africa, 1987. And: OPEC Statistical bulletin (for years 1986 - 88).

ساختمان حوضچه‌های خشک و نورد فولاد گام‌های مؤثری برداشته شد. در زمینه بازرگانی و داد و ستد کالا بخصوص در امارات متحده عربی سیاست دروازه‌های باز اعمال شد.

اقدامات فوق با توجه به جمعیت کم و عدم تمایل بومیان منطقه به انجام کارهای کم‌اهمیت، فقدان تخصص در زمینه‌های مختلف، استفاده از نیروی کار خارجی در تمام سطوح را از ماهر و متخصص تا کارگر ساده امکان‌پذیر کرد. نیروهای بومی موجود بسرعت جذب دستگاه عربی و طویل بوروکراسی شدند، و به جای شرکت در فعالیت‌های تولیدی و فنی کوشیدند با استفاده از ارتباطات و امتیازات قومی و قبیله‌ای و خانوادگی، خود را به مقامات و مناصب مدیریتی برسانند و از راههای بدون زحمت صاحب ثروت و مکنت شوند.^{۱۰}

بدین ترتیب ورود سیل آسای نیروی کار خارجی یکی از مهمترین عوامل تغییرات اجتماعی در این شیخ‌نشین‌ها محسوب می‌شود. پرسنل درجه یک و متوسط از خارج وارد می‌شوند. هزاران آموزگار تحصیل کرده سوری - مصری - مراکشی و فلسطینی در نظام آموزش کشورهای نظیر کویت - عربستان سعودی - قطر و غیره... به کار می‌پردازند و یا نیروی متخصص و نیمه‌متخصص لازم برای دستگاههای دولتی و خصوصی را تأمین می‌کنند. در این مهاجرتها عامل اقتصادی برای مهاجران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تفاوت فاحش بین دستمزدهای فرستنده و پذیرنده کارگر یکی از علل عمده مهاجرت به خلیج فارس است. برای نمونه، تفاوت دستمزد در برخی کشورها به قرار زیر است:^{۱۱}

- مزد نیروهای متخصص بنگلادشی در کشورهای حوزه خلیج

فارس بین ۶ تا ۸ برابر مزد آنان در بنگلادش است و این نسبت در مورد کارگران غیرمتخصص بین ۵ تا ۶ برابر می‌باشد.

(- خدمتکاران و کارگران سریلانکایی در کشورهای حوزه خلیج فارس تا ۱۲ برابر مزد خود در سریلانکا درآمد دارند.

(- معلمان مصری که در شهرهای خود هر سال، بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ دلار درآمد دارند، در عربستان سعودی سالانه تا ۱۲ هزار دلار پس‌انداز می‌کنند. کارگران غیرماهر کشاورزی مصر نیز در عربستان بیش از یک وزیر مصری حقوق دریافت می‌کنند!

با توجه به مهاجرت‌های سیل‌آسا در منطقه، از جمعیت -/۱۷۱۰۰۰۰ نفری کویت (آمار ۱۹۸۵)، ۳۹ درصد کویتی، ۳۹ درصد اعراب کشورهای دیگر و بقیه ایرانی و هندی و پاکستانی هستند. از جمعیت قطر فقط ۴۰ درصد عرب می‌باشند و هندیها با ۱۸ درصد و ایرانیها با ۱۰ درصد، اقلیت‌های عمده این کشور را تشکیل می‌دهند. ۱۲

در سال ۱۹۸۳ سهم کارگران آسیایی در قطر ۶۴/۹ درصد، کارگران عرب و آفریقایی ۱۹/۶ درصد و اتباع اروپایی ۴/۲ درصد و اتباع قطر ۱۵/۵ درصد از کل جمعیت این کشور (که بیش از ۴۸۱ هزار نفر برآورد شده است) بود. ۱۳

قسمت اعظم نیروی کار عربستان را کارگران مهاجر از یمن شمالی تشکیل می‌دهند. علاوه بر اینها دهها هزار متخصص و کاگر نیمه‌متخصص از سراسر جهان بخصوص از کشورهای نظیر کره جنوبی و فیلیپین در بخشهای مختلف اقتصادی این کشور به کار اشتغال دارند. به منظور اجرای برنامه ۵ ساله ۱۹۷۴-۱۹۷۹ عربستان مجبور به وارد کردن حدود ۷۰۰ هزار کارگر بود. ۱۴

وابستگی شدید عربستان به نیروی کار وارداتی - که تا حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد نیروی کار موجود در این کشور برآورد شده - مسایلی جدی برای حکومت و اقتصاد عربستان به وجود آورده است. تعداد کمی از اتباع عربستان واجد شرایط لازم برای تصدی مشاغل تخصصی گوناگون جوامع امروزی هستند و این نکته‌ای است که سران سعودی نیز به آن آگاه‌اند و هر از گاهی برنامه‌ها و بودجه‌هایی را برای آموزش اتباع کشور تعیین و تهیه می‌کنند، ولی به هر حال نشانه‌ای از تغییر چشمگیر در اوضاع نیروی انسانی این کشور مشهود نیست و آن دسته از اتباع عربستان که تحصیل کرده و تخصصی به دست آورده‌اند، نیز بیشتر در صدد کسب مشاغل کلیدی اداری در دستگاه بوروکراسی کشور و وارد شدن در زد و بندهای اقتصادی و تجاری هستند. ۱۵

تا پایان سپتامبر ۱۹۹۳ میلادی بیش از چهار میلیون و ۶۲۴ هزار نفر و حدود ۲۷ درصد از کل جمعیت عربستان را اتباع خارجی تشکیل می‌دادند. ۱۶

برحسب یک آمار تخمینی در سال ۱۹۷۵ از ۹۰۰۰۰۰ کل جمعیت عمان، ۲۵۰۰۰۰ نفر آن کارگرانی هستند که از ممالک دیگر به آنجا مهاجرت کرده‌اند و منبع اصلی نیروی کار آن را هندیها و پاکستانیها تشکیل می‌دهند.

آمار رسمی سال ۱۹۹۲ مرکز توسعه عمان نیز حاکی است که حجم کارگران خارجی در این کشور به استثنای نیروهای مسلح حدود ۶۰ درصد است.

براساس آخرین آمار جمعیت عمان بر یک میلیون و ۷۶۲ هزار نفر بالغ می‌شود که حدود ۵۰۰ هزار نفر آن را خارجیان تشکیل می‌دهند. ۱۷

بیشترین تعداد مهاجرین را در این نوع کشورها، امارات متحده

عربی، به ویژه در چهار امیرنشین ابوظبی - دوبی - رأس الخیمه و شارجه که تولید نفت امارات از آنها شروع شده است، دارد. افزایش جمعیت در این امیرنشینها در دهه گذشته بسیار چشمگیر است؛ به طوری که طبق آمار رسمی، جمعیت آنها از ۱۸۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۸ به ۳۵۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۴ و به ۶۶۵۹۳۷ نفر در سال ۱۹۷۶ رسیده است. تعداد خارجیان در بقیه امارات در سال ۱۹۶۸ حدود ۷۴۲۵۰ نفر بود که در سال ۱۹۷۲ به ۱۳۲۷۵۰ نفر رسید. ۱۸ محمود عبدالله استاد کرسی قانون در دانشگاه امارات، جمعیت امارات در سال ۹۲ میلادی را دو میلیون نفر اعلام کرد و گفت حدود ۱۸ درصد از این رقم را اتباع امارات تشکیل می دهند.

به گفته وی بانک جهانی پیش بینی کرده است که با توجه به روند ورود نیروی کار خارجی به امارات اتباع این کشور تا سال ۲۰۰۰ میلادی تا مرز شش درصد کل جمعیت کاهش یابد!

یک نماینده مجلس ملی امارات نیز افزایش نیروی کار خارجی در امارات را خطرناک توصیف کرد و گفت: آمار دریافتی حاکی است که بیش از ۹۰۰ هزار نفر کارگر خارجی در حال حاضر در بخشهای مختلف این کشور مشغول به کار هستند. ۱۹

نتیجه

قبل از پیدایش نفت، درآمد ساکنان حاشیه جنوبی خلیج فارس از طریق ماهیگیری و صید مروارید تأمین می شد. پیدایش نفت، شکل و بافت این جوامع را تغییر داد؛ بدین معنی که سرازیر شدن درآمدهای هنگفت نفت به منطقه به نسبت با جمعیت اندک آن، یکباره آنان را با وضعیت جدیدی روبرو ساخت.

افزایش قیمت نفت آنان را به این فکر واداشت که خود را به سمت پیشرفت و توسعه سوق دهند، اما چون جمعیت بومی ناکافی و از تخصص بی بهره بود، تنها راه چاره را در گسترش استخدام نیروی خارجی دانستند.

در این راستا پدیده جذب نیروی کار، ابعاد وسیعی به خود گرفت. اتباع کشورهای امریکایی و اروپایی، از کشورهای توسعه یافته، منطقه را میدان تجربه اندوزیهای تخصصی و کسب درآمدهای کلان و تأسیس بنیادهای انحصاری حضور و نفوذ در زمینه های مختلف کردند. کشورهای پرجمعیت فقیر منطقه نیز با سرمایه تلاش و نیاز مالی وارد صحنه شدند.^{۲۰}

اما نیروی کار وارداتی به خاطر بافت اقتصادی خاص کشورهای حوزه فارس، مالا به جای اشتغال در فعالیتهای تولیدی و صنعتی در بخشهای خدمات مشغول به کار شدند. و بدین ترتیب به رغم سرمایه گذاریهای وسیع مالی، پیشرفت صنعتی و اجتماعی لازم حاصل نشد.^{۲۱}

از طرف دیگر تأثیر منفی و مخرب حضور نیروهای کارگر مهاجر در میان جمعیت کم بومی این کشورها، قابل توجه است. این تأثیر در کشورهایی که دارای تاریخ و فرهنگ کهنی نیستند بیشتر است. بدین علت است که در کشورهایی مانند کویت و امارات که دارای تاریخ کهن و دقت و شخصیت فرهنگی که مشخص و شکل گرفته ای نیستند عکس العمل هایی در قبال نیروی کار خارجی نشان داده است.^{۲۲}

در نهایت، مشکل اصلی این جوامع، آن است که نظام اجتماعی - سیاسی در آنها هنوز با نگرفته است و از طرف دیگر ممکن است مشروعیت آنها محل تردید باشد. بنابراین کشورهای استعماری با توجه به منافع سرشاری که در منطقه دارند، کوشش می کنند تا از طریق بازسازی دولت، آموزش نیروهای

نظامی، فروش اسلحه و اعزام کارشناسان و غیره به تحکیم قدرت رژیم‌های این منطقه کمک کنند. این مسایل به طور مسلّم، مشکلاتی به دنبال خواهند داشت که در باره آنها می‌توان سؤالات ذیل را مطرح کرد:

(۱) با این منابع و منافع موقت چه نوع جوامعی در حال شکل‌گیری هستند؟ این کشورها با توجه به ثروت هنگفت حاصل از نفت، اساس کار را بر نیروهای خارجی گذاشته‌اند و به تربیت نیروی داخلی توجهی نکرده‌اند و معتقدند که با درآمد سرشاری که دارند می‌توانند تمام کمبودها را جبران کنند. اما مسأله این است که وقتی ذخایر نفتی رو به اتمام گذاشت آیا باز هم نیروهای کار خارجی حاضرند در این مناطق کار کنند؟ مسلّماً جواب منفی است. مثال تاریخی در این مورد اسپانیا و پرتغال است که در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی از طریق مستعمرات خود به ثروتهای زیادی دست یافتند و آن دوران به عصر طلایی معروف شد. آنان از این ثروتها در جهت بازسازی تولیدی داخلی استفاده نکردند و وقتی مستعمرات از چنگ آنها بیرون رفت و در نتیجه درآمد حاصل از مستعمرات تمام شد، تمام آن پیشرفتها و دوران طلایی نیز به پایان رسید.

«در نهایت این کشورها با مشکل دیرینه‌گردآوری سرمایه (انسانی و فیزیکی) مؤثر و مکفی در بخشهای اقتصادی غیرنفتی خود و افزایش کارایی و بازدهی تولید در آن بخشها مواجه هستند تا بتوانند بدین وسیله کاهش منابع نفتی خود را جبران نمایند. به تعبیری باید گفت، مهلت زمانی محدود آنها رو به اتمام است.»^{۲۳}

(۲) با وجود عدم تجانس و تنوع جمعیت از چه ملّتی می‌توانیم سخن

به میان بیاوریم؟

مثال امارات متحده عربی: ۲۴

- کل جمعیت حدود ۱/۲۰۶ میلیون نفر (۱۹۸۵)

- حدود ۲۵۰ هزار نفر هندی

- حدود ۲۰۰ هزار نفر پاکستانی

- حدود ۸۰ هزار نفر ایرانی

- حدود ۱۲۵ تا ۱۵۰ هزار نفر عرب از کشورهای مصر، سودان، مغرب، عمان،

فلسطین و یمن شمالی

- حدود ۱۷ هزار نفر انگلیسی

- حدود ۶۵۰۰ نفر بنگلادشی

- حدود ۳۵۰ نفر الجزایری

- تعدادی از اتباع تایلند، فیلیپین و سریلانکا

- تعدادی افراد اروپایی و آمریکایی

۳) صنعت این کشورها که نیروی کار آن خارجی هستند، چگونه

ممکن است رشد کند؟

کویت را مثال می‌زنیم: جمعیت دو میلیون نفری این کشور را قبل از اشغال توسط عراق، مهاجران و کارگران خارجی تشکیل می‌دادند که بزرگترین گروه آنها سیصد هزار نفر فلسطینی بودند. بعد از اشغال کویت اکثر مهاجران و کارگران خارجی از کویت خارج شدند و فقط فلسطینی‌ها در این کشور ماندند. در نتیجه تمام تأسیسات و کارخانجات ساخته شده بدون نیروی کار و در نهایت بلااستفاده باقی ماند.

۴) اگر نگاه خود را به آینده‌ای دورتر معطوف کنیم، بعد از اتمام

ذخایر نفتی، چه جاذبه‌هایی خواهیم یافت که بومیان و خارجیان را به زندگی

در این مناطق دلگرم کند؟ ثروت متکی به نفت، بدون عواقب منفی و هزینه‌های اجتماعی حاصل نشده است؛ به گونه‌ای که افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی، افزایش شدید مصرف انواع کالاهای و خدمات را در پی داشت. مصرف، نهایی‌ترین حلقه زنجیره تولید است و رفاه اقتصادی، بر آن مبنا سنجیده می‌شود. اما مصرف در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از حدود افراط نیز فراتر رفته است. مصرف زیاد، از تولید داخلی و حتی گاه از اشتغال به کار مفید و تولیدی نیز، جداست. حاشیه جنوبی خلیج فارس، نشانه‌های آشکاری از بالاترین حد سرانه واردات در جهان را دارد.

مصرف زیاد بدون تولید زیاد، آثار منفی بسیاری به دنبال دارد ۲۵
اولاً تغییر جهت دادن تمایلات و انتظارات مصرفی، پس از گذشتن از حد معین، بسیار مشکل است.

ثانیاً، این تمایلات و انتظارات، در حال حاضر باری بر دوش اکثر کشورهای منطقه می‌باشد.

ثالثاً ارزش و مقام اجتماعی کنونی، در مقابل وسعت و اندازه ویلا یا اتومبیل‌های هر شخص، بیش از معیارهای متعادلتر سنتی رفتار شخصی و خانوادگی، حساسیت دارد.

در نهایت جدایی درآمد از تولید، جداسازی مصرف از تولید محلی و محول کردن عملکردهای اقتصادی به نیروی انسانی خارجی، همگی عوارض «اقتصاد غیرمستقل» می‌باشند. با چنین عملکردی وقتی، ذخایر نفت رو به اتمام گذاشت سرنوشت غم‌انگیزی در انتظار این جوامع خواهد بود.

صورت ۳- تعداد تقریبی خارجیان شاغل در کشورهای حوزه خلیج فارس در سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۵

نام کشور	کل جمعیت	پاکستان	هندی	عرب	ایرانی و آمریکایی	مصری	یمنی	ایرانی	سایر
امارات متحده عربی	۱/۲۰۶ میلیون نفر	۲۰۰ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	ناشناس	-	-	۸۰ هزار نفر	۸۷ هزار نفر
بحرین	۳۶۱ هزار نفر	ذکر نشده است	۳۵ هزار نفر	ناشناس	-	-	-	۷۰ هزار نفر	۱۴۰۰۰ نفر
عمان	۱/۱۴ میلیون نفر	-	۳۵ هزار نفر	-	-	۱/۵ میلیون نفر	-	-	۱۴ هزار نفر
عمارتان سعودی	۱۰/۴۰۱ میلیون نفر	۸۵۰ هزار نفر	۱۸۰ هزار نفر	-	۴۰ هزار نفر	ذکر نشده	۱ میلیون	-	۸۵ هزار ترک
قطر	۲۷۰ هزار نفر	ذکر نشده است	۱۵۰ هزار نفر	-	۵۵ هزار نفر	-	-	-	۳۰۰ هزار بنگلادشی
کویت	۱/۶۳۳ میلیون نفر	۳۰ هزار نفر	۸۰ هزار نفر	۱۰۰ هزار نفر	ناشناس	۷۶ هزار نفر	ذکر نشده است	۶۰ هزار نفر	۲۲۰ هزار بنگلادشی

یادداشتها

- ۱- عزّتی عزّت‌الله: ژئوپولیتیک، ص ۱۷۰
- ۲- نهر و جواهر لعل: نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، ص ۱۴۷۸، جلد ۳
- ۳- آلاسدر درایسدل و جرالداچ. بلیک: جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه درّه میرحیدر، ص ۵۹
- ۴- نیکسون ریچارد: جنگ واقعی صلح واقعی، ترجمه علیرضا طاهری، ص ۱۳۶
- ۵- مجتهدزاده پیروز: کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، ص ۵۳
- ۶- اسدی بیژن: علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس ۱۳۵۷-۱۳۶۸، ص ۹
- ۷- همان، ص ۹
- ۸- همان، ص ۱۵
- ۹- شهابی سهراب: شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و تجارت، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، ص ۳۶۷، اردیبهشت ۱۳۶۷
- ۱۰- گنجی دوست محمد: بررسی مسأله مهاجرت و نیروی کار در خلیج فارس، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، ص ۴۸۱، اردیبهشت ۱۳۶۷
- ۱۱- همان، ص ۴۸۶

- ۱۲- مجله SOUTH (جنوب) چاپ لندن، سپتامبر ۱۹۸۵
- ۱۳- روزنامه کیهان: خلیج فارس و نیروی کار خارجی، دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۷۲
- ۱۴- هالیدی فرد: مهاجرت نیروی کار در خاورمیانه: ترجمه مهیار، ص ۲۳
- ۱۵- گروه مطالعاتی خلیج فارس: کارگران مهاجر در خلیج فارس، مجله سیاست خارجی، سال اول، فروردین - خرداد - ۱۳۶۶، شماره ۲، ص ۲۵۱
- ۱۶- خلیج فارس و نیروی کار خارجی: پیشین
- ۱۷- همان
- ۱۸- هالیدی فرد: پیشین، ص ۲۶
- ۱۹- خلیج فارس و نیروی کار خارجی: پیشین
- ۲۰- گنجی دوست محمد: پیشین، ص ۴۸۵
- ۲۱- همان، ص ۴۸۱
- ۲۲- گروه مطالعاتی خلیج فارس: پیشین، ص ۲۴۷
- ۲۳- کوبوسی اتیف: نفت، صنعت و توسعه، ترجمه نشر قومس زیر نظر دکتر همایون الهی، ص ۸
- ۲۴- گروه مطالعاتی خلیج فارس: پیشین، ص ۲۵۴
- ۲۵- کوبوسی اتیف: پیشین، ص ۱۶۹
- ۲۶- گنجی دوست محمد: پیشین، ص ۴۷۹

کتابشناسی

- ۱- مجتهدزاده پیروز: کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲
- ۲- اسدی بیژن: علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱
- ۳- نیکسون ریچارد: جنگ واقعی صلح واقعی، ترجمه علیرضا طاهری، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۶۴
- ۴- عزّتی عزّت‌الله: ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱
- ۵- هالیدی فرد: مهاجرت نیروی کار در خاورمیانه، ترجمه م. مهیار، تهران، نشریه تندر، ۱۳۶۰
- ۶- آلاسدر در ایسدل و: جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه جرالداچ. بلیک درّه میرحیدر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹
- ۷- کوبوسی اتیف: نفت، صنعت و توسعه در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، ترجمه نشر قومس زیر نظر دکتر همایون الهی، تهران، ۱۳۶۹
- ۸- گنجی دوست محمد: بررسی مسأله مهاجرت و نیروی کار در خلیج فارس، تهران، سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، اردیبهشت ۱۳۶۷، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

- ۹- شهابی سهراب: شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و تجارت، تهران، سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، اردیبهشت ۱۳۶۷، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۱۰- نهر و جواهر لعل: نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳، جلد سوم
- ۱۱- گروه مطالعاتی خلیج فارس: کارگران مهاجر در خلیج فارس، تهران، مجله سیاسی خارجی، سال اول، فروردین - خرداد ۱۳۶۶، شماره ۲

